

مردی با بازوهایی از گل سرخ

روایتی از زندگی سید حسن رزاز (شجاعت)، پهلوان بی بدیل تاریخ معاصر ایران

در بی نشانه‌هایی از او سال‌ها پیش بالاخره نوه، نتیجه‌هایش را یافتیم. مردمانی که هر کدام از نجابت و دانستگی و پاکبختگی پدر بزرگ نشانه‌هایی در خود داشتند. مخصوصاً نوه دختری‌اش ابوالفضل جوهرچی که روز فتح خرمشهر به شهادت رسیده بود و حالا تماشای چشم‌ها، عکس‌ها و دستخط‌هایش بی‌قرارم می‌کرد. همان زمان‌ها زمانی هستند داستانی در وصفش نوشتم و آدم‌های نفرت‌انگیزی که در صدد سوءاستفاده از شمایل او بودند هنگام چاپ اثر، بیش از نیمی از زمان را سلاخی کردند اما این چیزها ذره‌ای از عشقم به بازوهای متبرکش را کم نکرد.

نجف و نیز تسلطش به موسیقی ملی ایران وجوه دیگری از شخصیت او را جلوه می‌دهد. پلی که در حوزه آزادیخواهی نیز بی‌مضایقه می‌جنگید و تاریخچه مبارزاتش در کنار مشروطه‌طلبان و دمکراسی‌خواهان که به حبس او در باغشاه و دریافت حکم اعدام منجر شد ابعاد دیگری از آگاهی عمیق و مردم‌داری و وطن‌پرستی او را بازتاب می‌دهند. آسیدحسن رزاز معروف به شجاعت که در میان بچه‌محل‌هایش به آسیدحسن دست‌بالا شهره بود در حوزه عرفان و فرقه خاکساریه نیز دارای مقاماتی بالا بود. بعد از سی سال آزرگار گشت و گذار

و حسرت می‌خوردم که در زمان حضورش زنده نبودم که توی سرچشمه و باغ سهام‌الدوله و عدولجان یک دل سیر نگاهش کنم؟ سیدحسن رزاز معروف به شجاعت (۱۲۵۷-۱۳۲۰) بزرگترین و پاکدست‌ترین و مقبول‌ترین پهلوان تاریخ معاصر ایران است که از او به عنوان آخرین زنگی زمانه یاد می‌شود.

پهلوانی جامع‌الشرایط و چند بعدی که نه تنها در حوزه کشتی تمام مسابقاتش را در داخل و خارج از کشور با پیروزی به پایان برد و پشتش به خاک نرسید بلکه موضوعاتی مثل دریافت درجه اجتهاد از آیت‌العظمی آخوند خراسانی در



ابراهیم افشار

Ebrahim Afshar

مقدمه: سی سال آزرگار به دنبال او و یادگاری‌هایش گشتم و همیشه ناکام‌تر از پیش به سرخانه اولم برگشتم. چه چیزی مرا به او وصل می‌کرد که همیشه تشنه رفرنس‌ها و ضدخاطراتی از او بودم؟ چرا اینقدر دوستش می‌داشتم